



زنجیره فساد و وحشت در نیمروز؛

بازرگانان از باج گیری های مدیر استخبارات داخل طالبان شکایت دارند



بازرگانان در ولایت های نیمروز و هرات از باج گیری های مدیر استخبارات طالبان شکایت دارند. به سخن آنان، این مدیر استخبارات طالبان که از حمایت چهره های سرشناس این گروه برخوردار است، زنجیره ای از فساد و وحشت را در بخش ترانزیت ولایت نیمروز به راه انداخته است. بازرگانان و سرمایه داران در هرات و نیمروز می افزایند که این مقام طالبان به بهانه های گوناگون از جمله ارتباط با مخالفان طالبان، ارتباط با ایران...

چشم طالب به جیب غریب؛

جنگ جویان در غور کمک های موسسه ها را از مردم پس گرفتند



پایان ضرب الاجل پاکستان به مهاجران افغان؛

پناه جویان خواستار تعامل اسلام آباد با سازمان ملل و جامعه جهانی اند

مسعود با گذر زمان جهان و منطقه متوجه عواقب تعامل با طالبان خواهند شد



۸ صبح، کابل: احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، در مصاحبه اخیرش گفته است که گذشت زمان جهان و کشورهای منطقه را متوجه پیامد تعامل با طالبان خواهد ساخت. احمد مسعود در مصاحبه اخیرش با محمدحسین جعفریان، روزنامه نگار ایرانی، روز یکشنبه، ۱۰ جدی، گفته است که کشته شدن فرماندهان جبهه مقاومت ملی یک نقصان کلان است، اما به این معنا نیست که این جبهه ضعیف شده است.

او افزوده است که جبهه مقاومت در یکونیم سال گذشته چیزی در حدود ۳۰۰ کشته داده است، اما نسبت به گذشته در شرایط بهتری قرار دارد.

احمد مسعود می گوید که جبهه مقاومت ملی در یکونیم سال گذشته به سوی ساختارمند شدن رفته و گسترش یافته است. به گفته او، ظرفیت های این جبهه در حال بالا رفتن است و نظم و انسجام بیشتری یافته است.

رهبر جبهه مقاومت خاطر نشان کرده است که دلیل کشته شدن اعضای این جبهه در جنگ اخیر اندراب، «بی تجربه گی» نبود؛ زیرا در جنگ چریکی اداره جنگ به دوش فرماندهانی است که در محل حضور دارند و از این لحاظ فرمانده خیرخواه یکی از فرماندهان باتجربه بود.

مسعود همچنان افزوده است که در جنگ اندراب برخی از نهادهای استخباراتی خارجی با طالبان همکاری مستقیم داشته و در پیدا کردن جای مقاومت گران، این گروه را یاری رسانده اند. به گفته احمد مسعود، ایستاده گی نیروهای جبهه مقاومت ملی به این معنا است که اعضای جبهه حاضرند از جان شان بگذرند، اما ارزش های شان را حفظ کنند. مسعود در پاسخ به انتقادهای اخیر در مورد انحصاری شدن جبهه گفته است که تصامیم جبهه جمعی و شورایی گرفته می شود. احمد مسعود همچنان تأکید کرده است که جبهه مقاومت از ابتدا به خاطر زنان ایستاده و خون داده است. بنابراین به گفته او، حق تحصیل، کار و زنده گی آزادانه زنان جزو خطوط سرخ این جبهه است و به هیچ قیمتی از آن نخواهد گذشت. در همین حال، او گفته است که حملات تحریک طالبان پاکستانی به این کشور بیشتر خواهد شد. به گفته احمد مسعود، جنگ افغانستان برای دولت پاکستان یک منبع درآمد و یک بازی سیاسی است. از نظر مسعود، فعالیت نظامی جبهه مقاومت تا زمانی ادامه خواهد یافت که طالبان به جنگ ادامه دهند. او از همه شهروندان افغانستان خواسته است تا علیه طالبان بایستند. پس از جنگ اخیر اندراب که منجر به کشته شدن شماری از نیروهای جبهه مقاومت ملی شد، برخی از انتقادات مبنی بر کم توجهی رهبری این جبهه نسبت به نیروهایش در محل جنگ، مطرح شده است.

برشنا: قرارداد توريد برق در سال ۲۰۲۳ با اوزبیکستان امضا شد

عازم اوزبیکستان شده بود. این در حالی است که در روزهای اخیر باشنده گان کابل و ولایت های دیگر کشور از قطعی برق همواره شکایت داشته اند.

توییتی این مطلب را نگاشته است. برشنا اما در مورد چگونه گی بندهای این قرارداد معلومات ارایه نکرده است. گفتنی است که هیاتی متشکل از مقام های بلند پایه وزارت انرژی و آب طالبان روز گذشته

۸ صبح، کابل: شرکت برق رسانی کشور (برشنا) می گوید که قرارداد توريد برق در سال ۲۰۲۳ را با شرکت ملی برق اوزبیکستان امضا کرده است. این شرکت شنبه شب، ۱۰ جدی، با نشر

مدرسه های دینی به مثابه تهدید امنیتی



خیام و کوزه های سخنگو



توصیه یک ملا در فاریاب به ازدواج دختران با طالبان: «یا زن ملا باشید یا گاو ملا»

۸ صبح، فاریاب: مولوی نبی غفوری، از عالمان دین در فاریاب، در یک نشست مردمی، در مورد ازدواج دختران با نیروهای طالبان به دختران گفته است که «یا زن ملا باشید یا گاو ملا» در نوار تصویری ای که منابع محلی روز شنبه، ۶ جدی، به ۸ صبح فرستاده، این ملا در حال صحبت در مورد وضعیت زنان در کشور است و دختران را به ازدواج با نیروهای طالبان ترغیب می کند.

او که در یک جمع مردمی سخنرانی می کند می گوید که ملاها مهربان ترین و آگاه ترین قشر جامعه اند؛ به همین دلیل «یا زن ملا باشید یا گاو ملا باشید».

او در این سخنرانی به خانواده ها می گوید که دختران شان را تشویق کنند تا به نکاح نیروهای طالبان در آیند.

این در حالی است که مولوی نبی غفوری در دوره حکومت جمهوریت فتوا داده بود که جنگ نیروهای طالبان علیه نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان حرام است.





سال نو میلادی و بیم‌ها و امیدها

با حاکمیت طالبان و سراسری شدن حاکمیت آن‌ها، برای افغانستان بیمی بزرگ‌تر نمانده است که از آن بر خود بلرزد و در واقع بزرگ‌ترین کابوس به وقوع پیوسته است. فاجعه رخ داده و ۱۰۰ هزار تن به کوچ دائمی روی آوردند، همچنان که صدها هزار تن دیگر آهنگ کوچیدن دارند برای بیرون کشیدن فرزندان‌شان از این ورطه هولناکی که طالبان درست کرده‌اند و برای دور کردن دختران‌شان از زنده به گوری و محو. با آن‌هم یک بیم بزرگ باقی مانده است و آن تداوم وضعیت کنونی یا محکم‌تر شدن پایه‌های این حاکمیت است با تداوم شکنجه و سرکوب برای میلیون‌ها انسان آن سرزمین با کم‌ترین برخورداری از حقوق انسانی‌شان. آیا می‌توان این بیم را به امید تبدیل کرد؟ تبدیل کردن بیم به امید یعنی پایان دادن به پراکنده‌گی نیروهای مخالف طالب، غلبه بر رعب و هراسی که این حاکمیت بر سراسر کشور گسترانده است، هماهنگی میان داخل و خارج، سازمان‌دهی فعالیت‌ها برای ناکام کردن جاسوسانی که به سود طالبان در خارج لابی‌گری می‌کنند و خلق روایتی معطوف به شکست تروریسم و افراطیت تا محوری برای اجماع همه آزادی‌خواهان کشور و آغاز شمارش معکوس برای رفتن این گروه باشد.

رفتن طالبان حتمی است؛ زیرا کسانی که از نخست مهندسی این گروه را به دوش داشتند آن را برای جنگ و بحران طراحی کرده بودند نه برای دولت‌داری مبتنی بر ارایه خدمات و کمک به رفاه شهروندان. این دستگاه به‌گونه‌ای ساخته شده است که اگر روزی از کارکرد اصلی خود دست بکشد و نظامی‌گری، خشونت و کشتار را کنار بگذارد فرومی‌باشد. دستگاه‌های حاکمیت مبتنی بر ترور و متکی به تروریسم، با خون و خشونت نفس می‌کشند و هر گاه به شیوه‌های مدنی و انسانی حکومت‌داری روی بیاورند، می‌میرند. به همین دلیل است که هر چه می‌گذرد فشار این گروه بر شهروندان افزون‌تر و چهره ضد مدنی‌اش عربان‌تر می‌شود. چنین حاکمیتی جز برای یک مشت از عناصر مافیایی، بیماران گرفتار به تعصبات کور قومی، عناصر به شدت افراطی مذهبی و تعدادی فرصت‌طلب بی‌پرنسیپ، دیگر برای حتی یک تن از شهروندان عادی این سرزمین پذیرفتنی نیست. نظام‌های فاقد مقبولیت مردمی، فاقد مهم‌ترین فاکتور بقا هستند و برای سرنگون شدن نیاز به عیوب بیش‌تری ندارند.

اما رفتنی بودن طالبان به این معنا نیست که همه بیم‌ها به پایان رسیده است. ما هنوز در آغاز راهیم. نخستین بیم این است که این گروه تا زمان رفتن خود بسیار چیزها را با خود ببرد، از سواد یک نسل گرفته تا شیرازه نیم‌بند ملی، تا زیرساخت‌های ایجادشده در ۲۰ سال گذشته، تا نظام تعلیمی و تحصیلی، تا سیستم قضایی، تا سایر ساختارهایی که با زحمت فراوان، هرچند با کم و کاستی‌های فراوان، برای دولت‌داری مدرن ایجاد شده بود. بیم این است که طالبان بروند و ویرانه‌ای از خود برجای بگذارند وحشتناک، از نظر مادی و معنوی، کشوری سراپا متلاشی، با تصویری آخ‌الزمانی که پس از هر جنگ داخلی دامن‌گستر برجای می‌ماند.

ما می‌توانیم بر این بیم‌ها چیره شویم و ناامیدی را به امید تبدیل کنیم، اگر راهی برای هماهنگی نیروهای مختلف بیابیم، اگر ادبیات نفرت را کنار بگذاریم، اگر فرهنگ زبونی و ذلت‌پذیری را قاطعانه نقد کنیم، اگر بر سر آینده خود با عقلانیت به گفت‌وگو بپردازیم و اگر به دنیا نشان بدهیم که ما به بلوغ رسیده‌ایم و توان رسیدن به اجماع درباره سرنوشت همه‌گانی خود را داریم. تاریخ را انسان‌ها می‌سازند، من و شما، با انتخاب‌های درست در موقعیت‌های دشوار. از هم اکنون به فردای بعد از طالب باید اندیشید.

شورای مقاومت ملی: جامعه جهانی باید زمینه تشکیل نظام سیاسی جدید را در افغانستان فراهم کند



۸ صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در اعلامیه‌ای از جامعه جهانی خواسته تا زمینه تشکیل یک نظام جدید در افغانستان را فراهم کند.

شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در اعلامیه‌ای روز یکشنبه، ۱۱ جدی، تصمیم‌های اخیر طالبان درباره زنان را نکوهش کرده و از جامعه جهانی خواسته تا با اعمال فشار بر طالبان و حامیان مالی‌شان زمینه تشکیل نظام سیاسی جدید را فراهم کند.

این شورا باورمند است که تشکیل نظام جدید از توسعه افراط‌گرایی، زن‌ستیزی، سرکوب‌گری و هزاران جنایت بشری دیگر در افغانستان جلوگیری می‌کند.

در اعلامیه این شورا آمده است: «هر گونه اعمال

محدودیت حقوق بشری از سوی طالبان بر شهروندان به‌ویژه دختران و زنان افغانستان، به معنای تبعیض آشکار، آپارتاید جنسیتی، گسترش افراطیت، منزوی کردن افغانستان از دایره جامعه جهانی و بسترسازی برای تروریسم در منطقه است.»

بربنیاد اعلامیه این شورا، در موجودیت طالبان دستیابی به حاکمیت مشروع و حقوق اساسی شهروندان به‌ویژه زنان، تأمین ثبات و جلوگیری از رشد تروریسم غیرممکن است.

این شورا گفته است: «زن از نگاه طالب برده جنسی (تتاب شیطان) تعریف شده است و این وضاحت کامل برای خوش‌باوری سطحی‌نگرانه جامعه جهانی نسبت به اصلاح تفکر طالبان است.»

طالبان در جریان دو هفته اخیر تحصیل و کار زنان در مؤسسات داخلی و خارجی را منع کردند.

طالبان در پکتیا پنج تن به‌شمول یک زن را در محضر عام شاقی زدند

افراد در پی حکم دادگاه طالبان در پکتیا ساعت ۱۰:۰۰ پیش از چاشت روز شنبه، ۱۰ جدی، شلاق زده شده‌اند.

به گفته منابع، این افراد به جرم رابطه پیش از ازدواج و دزدی از سوی دادگاه طالبان در پکتیا مجازات شده‌اند.

مجازات افراد در محضر عام واکنش‌های تند جهانی را در پی داشته است؛ اما طالبان بدون توجه به این واکنش‌ها به محاکمه صحرایی افراد ادامه داده‌اند.



۸ صبح، پکتیا: منابع محلی در پکتیا از شلاق زده شدن پنج تن به‌شمول یک زن در محضر عام از سوی طالبان خبر می‌دهند.

منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این

ان‌پی‌آز:

استخراج زغال سنگ در افغانستان به کار کودکان متکی است

مصرف کار در معدن زغال‌سنگ است، به ان‌پی‌آز گفته است: «خانواده‌ها سال گذشته مرا برای کار به این‌جا فرستادند.»

براساس گزارش «او هیچ تجهیزات محافظی بر تن ندارد - بدون ماسک، بدون عینک. فقط یک جفت کفش پلاستیکی ارزان‌قیمت که به او داده‌اند تا پاهایش نفس بکشد، با انگشتان سیاه‌شده توسط گردوغبار زغال‌سنگ که به بیرون می‌آید.»

رادپوی عمومی ملی امریکا اضافه کرده است که کودکان و پسران نوجوان به دلیل فریک بدنی کوچک‌شان بهتر از مردان می‌توانند وارد حفره‌ها و تونل‌های استخراج زغال‌سنگ شوند.

ان‌پی‌آز نگاشته است در حالی که مشخص نیست اکنون چه تعداد کودک در صنعت معدن افغانستان کار می‌کنند، اما آن‌چه معلوم است، این است که کار کودکان به‌طور کلی در سال گذشته رشد قابل توجهی داشته است.

در گزارش همچنان به نقل از وزارت معادن و پترولیم طالبان نوشته شده است که در حال حاضر روزانه حدود ۱۰ هزار تن زغال‌سنگ از افغانستان صادر می‌شود.

گزارش علاوه کرده است که طالبان نیز در اوایل سال میلادی جاری از جنگ روسیه در اوکراین سود غیرمنتظره‌ای برده‌اند.

گفتنی است که پس از روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان و مسدود شدن دارایی‌های کشور از سوی امریکا، این گروه از زغال‌سنگ به‌عنوان یک منبع عایداتی استفاده می‌کند.



۸ صبح، کابل: رادپوی عمومی ملی امریکا (ان‌پی‌آز) با نشر گزارشی نوشته است که با بازگشت طالبان و افزایش استخراج زغال‌سنگ در افغانستان، تعداد کودکان کار در این حوزه افزایش یافته است.

ان‌پی‌آز روز شنبه، ۱۰ جدی، با نشر این گزارش نگاشته است که این کودکان با انجام این کار شاقه پیوسته با خطر مرگ روبه‌رویند و با سرنوشتی که در انتظارشان است، کنار آمده‌اند.

این رسانه افزوده است که حتی در کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته با ماشین‌آلات پیشرفته و تجهیزات حفاظتی، استخراج مواد معدنی شغلی خطرناک و گاه مرگ‌بار است و در افغانستان هر بار ورود به داخل معدن زغال‌سنگ می‌تواند برای کارگران قماری بر سر مرگ و زنده‌گی باشد.

منصور ۱۲ ساله که در ولسوالی نهرین ولایت بغلان

وزیر داخله پاکستان: پاکستان حق دارد به پناهگاه‌های تحریک طالبان در افغانستان حمله کند

۸ صبح، کابل: وزیر امور داخله پاکستان گفته است که براساس قوانین بین‌المللی، این کشور حق دارد به پایگاه‌های تحریک طالبان پاکستان در خاک افغانستان حمله کند.

رانا ثناء‌الله، وزیر امور داخله پاکستان، روز شنبه، ۱۰ جدی، در گفت‌وگویی با اکسپرس تی‌وی گفته است، در صورتی که طالبان پناهگاه‌های تحریک طالبان در افغانستان را از بین نبرند، ممکن است پاکستان حمله به این پناهگاه‌ها را بررسی کند.

او از مقام‌های طالبان خواسته است تا پناهگاه‌های امن تحریک طالبان پاکستان در خاک افغانستان را از بین ببرند.

به گفته او، اگر این کار صورت نگیرد، پاکستان ممکن است هدف قرار دادن این پناهگاه‌ها را بررسی کند.

گفتنی است که پس از ختم آتش‌بس میان دولت و تحریک طالبان پاکستان، این گروه حمله‌های خود را بالای شهرهای مختلف پاکستان از سر گرفته است.

در آخرین مورد، تحریک طالبان پاکستان مسوولیت یک حمله انتحاری در اسلام‌آباد را برعهده گرفت.



سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل:

بازداشت کودکان مهاجر افغان در پاکستان نقض آشکار حقوق کودکان است

۸ صبح، کابل: سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای بازداشت کودکان مهاجر افغان را در پاکستان نقض کنوانسیون پناهنده‌گان سازمان ملل متحد خوانده‌اند.

در بیانیه سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد که روز شنبه، ۱۰ جدی، نشر شده، از زندانی شدن کودکان افغانستان در پاکستان ابراز نگرانی شده است.

این بیانیه، پناهنده‌گی را حق انسانی دانسته و گفته است که بربنیاد کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده‌گان سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو نمی‌توانند مهاجرانی را که به علت به خطر افتادن جان‌شان به‌گونه غیرقانونی وارد کشور دیگری می‌شوند، مجازات کنند.

سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد گفته‌اند: «براساس دستورالعمل‌های کمیسیون عالی پناهنده‌گان سازمان ملل، کودکان صرف نظر از مهاجرت قانونی والدین‌شان، نباید به‌خاطر اهداف مرتبط با مهاجرت بازداشت شوند، این گونه بازداشت‌ها نقض آشکار حقوق کودکان است.»

در این بیانیه از کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان خواسته شده است تا به وضعیت مهاجران و کودکان زندانی افغانستان در پاکستان توجه ویژه کند.

گفتنی است که حکومت پاکستان با وجود نگرانی‌های جهانی صدها مهاجر افغان به‌شمول زنان و کودکان را زندانی کرده است.



پایان ضرب‌الاجل پاکستان به مهاجران افغان؛

پناهجویان خواستار تعامل اسلام‌آباد با سازمان ملل و جامعه جهانی‌اند

مقام‌های حکومت پاکستان به‌تازگی اعلام کرده‌اند که در حال حاضر دست‌کم یک هزار و ۲۰۰ شهروندان افغانستان به شمول زنان و کودکان در شهر کراچی زندانی‌اند. این مقام‌ها به خبرگزاری «آسوشیتدپرس» گفته‌اند که این زندانیان فاقد اسناد قانونی سفر هستند و پس از سپری کردن مدت حبس و تکمیل مدارک رهایی از سوی وکیلان مدافع، به افغانستان برگشت داده خواهند شد.

صبح، پروان

کند؛ چون هر فردی که به این کشور مهاجر شده، زیر تهدید است و به کشور باز گشته نمی‌تواند.»
گفتنی است که چند ماه پیش پناهجویان افغانستان مقیم در پاکستان پیام‌های هشدارآمیز تلفنی از سوی وزارت داخله این کشور دریافت کرده‌اند. در این پیام‌ها از همه اتباع خارجی به شمول شهروندان افغانستان مقیم در پاکستان خواسته شده است که پیش از پایان سال روان میلادی برای تمدید ویزای اقامت خود در این کشور اقدام کنند، در غیر این صورت با سه سال حبس مواجه می‌شوند و نام‌شان در فهرست سیاه ورود به این کشور درج خواهد شد. حکومت پاکستان از این پناهجویان خواسته بود که از طریق «سیستم آنلاین ویزا» درخواست بدهند. مهاجران افغانستان مقیم در پاکستان اما می‌گویند که برای تمدید ویزای اقامت در این کشور بیش از یک سال می‌شود که درخواست داده، اما تاکنون قادر به تمدید آن نشده‌اند.
فیض‌آغا، یکی دیگر از پناهجویان افغانستان در پاکستان، در این باره می‌گوید: «من حدود پنج ماه پیش از طریق سیستم آنلاین به خاطر تمدید ویزای خودم و همسر اقدام کردم، اما تاکنون برای من جواب نیامده و موفق نشدیم ویزای خود را تمدید کنم.»

بیشتر این پناهجویان اکنون به همکاری کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گی چشم دوخته‌اند تا مانع برگشت اجباری آنان به افغانستان شود. کمیساری عالی سازمان ملل متحد در اسلام‌آباد اما تاکنون به انتظار این پناهجویان پاسخ مثبت ارایه نکرده است.
پاکستان در دو دهه گذشته میزبان صدها هزار پناهجوی افغان بوده است. افغان‌ها بیشتر در شهرهای بزرگ این کشور به شمول پیشاور، کراچی، اسلام‌آباد و دیگر ایالت‌ها زنده‌گی می‌کنند. بیشتر این افراد بنا بر مشکلات اقتصادی و سیاسی در افغانستان، به پاکستان رفته‌اند. در کنار این، تسلط طالبان بر افغانستان سبب جدیدی از مهاجرت افغان‌ها به پاکستان را به وجود آورد. بیشتر این پناهجویان اکنون با وضعیت رقت‌باری زنده‌گی می‌کنند و به دلیل ترس از طالبان حاضر نیستند تا زمانی که طالبان بر افغانستان حاکمیت داشته باشند، به کشور برگردند.

مهاجران افغان در زندان‌های پاکستان

مقام‌های حکومت پاکستان به‌تازگی اعلام کرده‌اند که در حال حاضر دست‌کم یک هزار و ۲۰۰ شهروندان افغانستان به شمول زنان و کودکان در شهر کراچی زندانی‌اند. این مقام‌ها به خبرگزاری «آسوشیتدپرس» گفته‌اند که این زندانیان فاقد اسناد قانونی سفر هستند و پس از سپری کردن مدت حبس و تکمیل مدارک رهایی از سوی وکیلان مدافع، به افغانستان برگشت داده خواهند شد. کمیساری عالی حقوق بشر پاکستان روز چهارشنبه، ۷ جدی، اعلام کرد که دست‌کم ۱۳۹

زن و ۱۶۵ کودک افغان در زندان زنانه کراچی در کنار دیگر مجرمان نگاه‌داری می‌شوند.
هرچند حکومت پاکستان جزئیات مفصلی از زندانیان افغانستان در زندان‌های این کشور و آمار کلی این زندانیان را تاکنون همه‌گانی نکرده، اما وضعیت این زندان به‌شدت رقت‌بار توصیف شده است. نبود غذای کافی، خدمات صحتی و عدم رسیدگی درست به پرونده‌های آنان از شکایات‌های عمده این زندانیان خوانده شده است. همچنان حضور ده‌ها مهاجر در اتاق‌های کوچک به جرم نداشتن اسناد قانونی سفر، این زندانیان را بیشتر رنج می‌دهد.

براساس گزارش‌ها، یک زندانی افغان به نام عبدالخلیل در اواخر قوس امسال در زندانی در شهر کراچی جان باخت. این مرد با همسرش برای تداوی به پاکستان رفته بود. به گفته بستگان این خانواده، همسر عبدالخلیل و دو تن از بستگان دیگر او هنگام وفاتش در زندان بوده‌اند. علت زندانی شدن عبدالخلیل و خانواده‌اش نداشتن اسناد قانونی سفر خوانده شده است.

هرچند دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل اخیراً با ابراز نگرانی از وضعیت مهاجران و پناهجویان افغان در پاکستان، از نخست‌وزیر این کشور خواسته است که برای حل مشکل مهاجران افغانستان تلاش کند، اما دولت پاکستان ظاهراً توجه چندانی به خواست این سازمان نکرده است.

از سوی دیگر، نگاه‌داری شهروندان افغانستان به‌ویژه کودکان در زندان‌های پاکستان واکنش‌های تند شهروندان و چهره‌های سیاسی افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی را برانگیخته است. سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای، بازداشت کودکان مهاجر افغان در پاکستان را نقض کنوانسیون پناهنده‌گان سازمان ملل متحد خوانده‌اند. در بیانیه سفارت‌ها و نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد که روز شنبه، ۱۰ جدی، نشر شد، از زندانی شدن کودکان افغانستان در پاکستان ابراز نگرانی شده است.

این بیانیه، پناهنده‌گی را حق انسانی دانسته و گفته که بر بنیاد کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده‌گان سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو نمی‌توانند مهاجرانی را که به علت به خطر افتادن جان‌شان به‌گونه غیرقانونی وارد کشور دیگری می‌شوند، مجازات کنند. در این بیانیه از کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان خواسته شده تا به وضعیت مهاجران و کودکان زندانی افغانستان در پاکستان

توجه ویژه کند.

نصیراحمد فایق، سرپرست نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد، روز پنج‌شنبه، ۸ جدی، تصویر کودکان پناهجوی افغان زندانی در پاکستان را نشر کرده است. آقای فایق گفته است که شماری از پناهجویان افغان در پاکستان به‌ویژه کودکان و زنان به دلیل نداشتن مدارک در زندانی در شهر کراچی این کشور به سر می‌برند. سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد خواستار توجه فوری این سازمان به وضعیت بد پناهجویان افغان در زندان‌های پاکستان شده است.

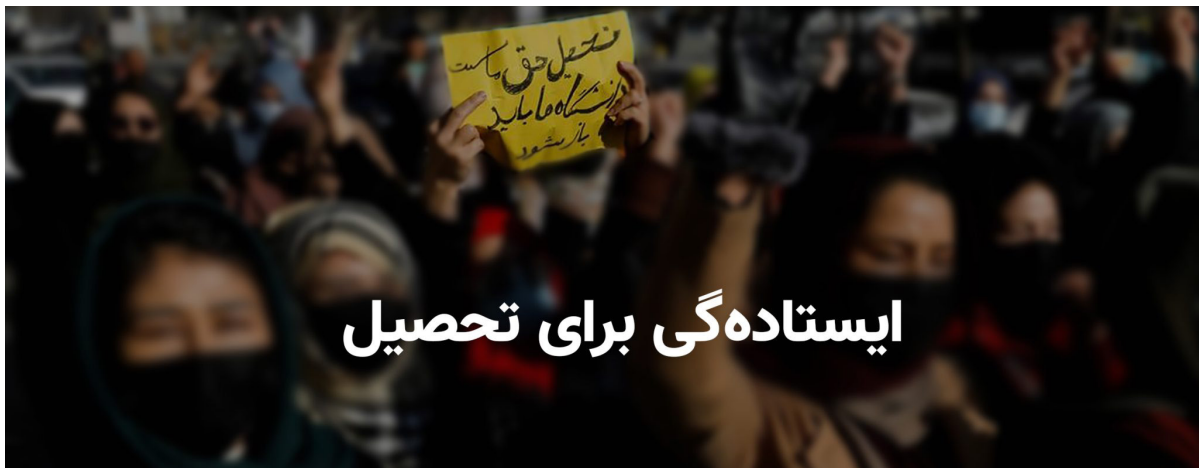
حامد کرزی، رییس جمهور پیشین افغانستان، وضعیت پناهجویان افغان در زندان‌های پاکستان به‌ویژه زنان و کودکان را «دردناک» توصیف کرده و از برخورد حکومت پاکستان با این پناهجویان انتقاد کرده است. آقای کرزی می‌گوید که این رفتار حکومت پاکستان در قبال پناهجویان افغان غیراخلاقی و دور از انسانیت است. آقای کرزی در صفحه توئیترش از حکومت پاکستان خواسته است تا با پناهجویان افغان مانند یک همسایه خوب و مطابق موازین و اصول بین‌المللی حقوق بشری برخورد کند. او از سازمان ملل متحد و سازمان‌های حقوق بشری نیز خواسته است تا گام‌های موثری برای آزادی پناهجویان افغان از زندان‌های پاکستان و تأمین حقوق آنان روی دست بگیرند.

در همین حال عبدالقهار بلخی، سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، نیز گفته است که مقام‌های سفارت این گروه در پاکستان در دیدار با مقام‌های پاکستانی، نگرانی‌های‌شان در مورد زندانی شدن مهاجران افغان را ابراز کرده‌اند. بلخی به آسوشیتدپرس گفته است: «مقام‌های پاکستانی بارها وعده آزادی سریع این بازداشت‌شده‌گان را داده، اما تاکنون به تعهدات خود عمل نکرده‌اند.»

این‌همه در حالی است که براساس اظهارات اخیر حنا کهر ربانی، معاون وزیر خارجه پاکستان، در حال حاضر بیش از سه میلیون شهروند افغانستان در پاکستان زنده‌گی می‌کنند. این افراد به مقاصد مختلفی کشور را ترک کرده‌اند. تداوی، تجارت، طی مراحل اسناد در سفارت‌خانه‌ها و ترس از طالبان از دلایل عمده ورود این شهروندان افغانستان به پاکستان است. هرچند دولت پاکستان بارها اعلام کرده که از مهاجران افغان در این کشور به‌نحو خوب میزبانی می‌کند و زمینه صدور ویزا و تمدید آن را برای آنان فراهم خواهد ساخت، اما بروکراسی سبب می‌شود که هر شهروند افغانستان ماه‌ها منتظر بماند تا ویزایش تمدید شود.

ظلم بی سابقه طالبان؛

مناقشه ها و مذاکرات های سیاسی در مورد حقوق زنان



ایستاده گی برای تحصیل

جمال نظری

جالب این جا است که اکثر ادیان و تفکرهای مختلف در طول تاریخ، قسماً با هم سویی از سیستم های اجتماعی مردسالارانه، از این ظلم حمایت کرده و با روایات و مفکوره های گوناگون، حتا برای این ظلم قاعده و اصولی را هم تدوین کرده اند که به نحوی با ربط این ظلم به اراده خدا، آن را توجیه کرده اند.

ظلم و ستم طالبان بر زنان افغانستان

این که در این عصر تمدن و پیشرفت جهانی، در حالی که همه آدم ها ادعای فرهنگ والای انسانیت را دارند، در مورد ظلم و خشونت انسان بر انسان حرفی زده شود و یا چیزی نوشته شود، واقعاً خجالت آور است؛ اما متأسفانه این هنوز واقعیت دارد و امروزه در جای جای دنیا، ظلم انسان ها بر انسان ها به انواع مختلف و به دلایل متعدد، هر چند هیچ کدام از این دلایل هرگز توجیه ندارد، به شدت ادامه دارد. گاهی هوس کشورگشایی، گاه تحمیل سلیقه ها و اندیشه ها و گاه هم تفاوت های عادی آدم ها از هم دیگر، در انواع ظلم و خشونت های آن ها تجلی می یابد.

البته ریشه اصلی این نوع خشونت ها و ظلم ها بیشتر در اضافه خواهی انسان ها و حرص پایان ناپذیر آن ها که از همان پیدایش انسان تا حالا وجود دارد، نهفته است. لذا بیشتر وقت ها این خشونت ها و ظلم ها به شکلی است که توسط قوی بر ضعیف، غنی بر فقیر، متجاوز بر مدافع و در کل ظالم بر مظلوم اعمال و تعریف می شود.

اما خشونت و ظلمی که ما این جا در مورد آن حرف می زنیم، در نوع خود متفاوت تر و بسیار زشت تر از انواع ظلم های دیگر است؛ هر چند این خشونت هم همیشه در درازای تاریخ و در ابعاد مختلف وجود داشته است. این ظلم انسان بر انسان به علت نوع جنسیت او است. خشونت و ظلمی که در آن، انسان مرد بر انسان زن روا می دارد، آن هم تنها به دلیل جنسیت که نه ظالم و نه هم مظلوم در تعیین آن نقشی دارد. این ظلم واقعاً بدون توجیه، از خلقت انسان تاکنون در ابعاد و انواع مختلف آن وجود داشته و دارد که بیشتر در ساختارهای اجتماعی مردسالارانه، ایجاد شده و وجود داشته است. معلوم هم نیست که چه وقت و چگونه خاتم خواهد یافت.

جالب این جا است که اکثر ادیان و تفکرهای مختلف در طول تاریخ، قسماً با هم سویی از سیستم های اجتماعی مردسالارانه، از این ظلم حمایت کرده و با روایات و مفکوره های گوناگون، حتا برای این ظلم قاعده ها و اصولی را هم تدوین کرده اند که به نحوی با ربط این ظلم به اراده خدا، آن را توجیه کرده اند.

بررسی عوامل و ابعاد این ظلم که می شود آن را ظلم جنسیتی نامید، بسیار پیچیده و وسیع است که نمی شود در این جا به آن پرداخت؛ اما یقین دارم که در این مورد تحقیقات زیادی صورت گرفته و آثار زیادی نوشته شده است و می شود با مراجعه به آن ها، معلومات کافی به دست آورد.

طالبان و ستم بر زنان افغانستان

خسومت، خشونت و ستم بر زنان افغانستان چیز تازه ای نیست. این پدیده شوم از قرن ها پدین سو وجود داشته است و هنوز هم ادامه دارد. یقیناً طالبان به شکل بی سابقه ای این ستم را تشدید کرده اند؛ اما این تفکر و ظلم توسط طالبان فعلی که به نام تحریک طالبان مسما است، آغاز نشده است.

ستم و خشونت بر زنان در افغانستان را در سه بعد می توان مورد بررسی قرار داد:

۱. فرهنگ و رسوم در ساختار اجتماعی مردسالار
در افغانستان نیز همچون اکثر جوامع دیگر، سیستم های اجتماعی مردسالاری، اصلی ترین پایگاه و حامی خشونت علیه زن بوده و است. تاریخ افغانستان گواه این است که بیشتر ستم بر زنان توسط رسوم و عنعنات فرهنگی ایجاد شده است که به تدریج برای حفظ سیستم مردسالاری به وجود آمده و تحکیم یافته است. ممکن است این رسوم و عنعنات قصداً برای دشمنی و ستم بر زنان به وجود نیامده باشد؛ اما همچون سایر مؤلفه های ضروری برای بقای یک سیستم اجتماعی، به حاشیه راندن زنان، سرکوب آن ها و محروم ساختن شان از حقوق اساسی آنان نیز یکی از ویژه گی های ساختارهای مردسالارانه است. در سیستم مردسالاری، به شکل طبیعی مقام و منزلت زنان، نه تنها به حیث جنس دوم و بعد از مردان قرار دارد، بلکه در بسیاری موارد هم ردیف با اجناس، لوازم و اشیاء و در نهایت شامل دارایی های مردان به حساب می رود. لذا در چنین ساختار اجتماعی، برخورد با زنان حیثیت مادی داشته و به زن به مثابه یک جنس مصرفی که دارای ارزش مادی است، نگریسته می شود. این در حالی است که حتا مقدار این ارزش مادی را هم مردان، بدون این که زنان در آن کوچک ترین نقشی داشته باشند، تعیین می کنند.

همین نگاه مادی نسبت به زن، او را وسیله قابل تملک ساخته است و مرد جامعه خود را مالک وی می داند، همان طور که مالک بقیه اموال و دارایی هایش است. تفکر ناموس و ناموس داری و تعصب برای حفظ آن نیز بر همین اساس ایجاد می شود؛ زیرا هیچ مردی نمی خواهد و نمی گذارد کسی دیگر جز خودش، مالک اموالش باشد.

بی توجهی به زنان و محروم ساختن آن ها از حقوق شان، با بعضی اصول و پرنسپب های مشخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز به شکلی از اشکال متضمن بقای ساختار مردسالارانه است. از گذشته های دور در جامعه مردسالار افغانستان، بیشتر عنعناتی که در تعیین مناسبات اجتماعی و وضعیت شخصی و مدنی زنان مانند پوشش و لباس، گشت و گذار، تعلیم، تحصیل، کار، ازدواج، دخترانه گی و زانه گی، ازدواج، مادری، طلاق، حضانت فرزند، ازدواج مجدد، میراث و... با چاشنی باورهای دینی همراه بوده و متضمن حفظ ساختار سنتی مردسالاری در این کشور بوده است. البته فراموش نباید کرد که بی توجهی به حقوق زنان و ظلم بر آن ها، تنها خشونت های فیزیکی، لت و کوب، جرح و قتل نیست. کاربرد این مقوله ها نیز زن ستیزانه و خشونت علیه زن است: زن نیستی که گریه می کنی!

مثل مرد محکم و استوار باش! زن را به کار مرد چه؟ مجلس زنانه نیست. قولت مردانه باشد. بیچاره زن سیاست! از زن گله ای نیست. اختیار را به دست زن ندهید. زن ناقص العقل است. اگر کاری را به توصیه زن بکنی، به جایی نمی رسد. صدها مقوله منفی و آزاردهنده وجود دارد که به تدریج به باورهای قوی در سطح جامعه تبدیل شده است. این خود بیانگر ظلم سیستم مردسالار بر زنان و نادیده گرفتن حقوق و توانایی های آن ها است. این باورها به اندازه ای نهادینه شده، تحکیم یافته و همه گانی شده است که حتا اکثر زنان نیز به آن باور دارند و خود را با همان معیارهای مردسالارانه ارزیابی می کنند.

۲. باورهای دینی و اعتقادات مذهبی

از گذشته های دور، در اکثر جوامع سنتی و فوق العاده معتقد به دین، متأسفانه ظلم بر زنان و نادیده گرفتن حقوق حقه انسانی آن ها بیشتر مشهود است. وقتی به تاریخ بشر نگاه می کنیم، به وضوح می بینیم که اکثر ادیان سماوی و بشری، نگاه واحد به زن دارند. همیشه در روایات و توصیه های دینی، راهبان و روحانیون ادیان مختلف مانند بوداییسم، هندویسم، یهودیت، مسیحیت، اسلام و مذاهب و ادیان دیگر، با وجودی که مرد و زن به عنوان انسان شناخته شده اند، اما نگاه دوگانه به آن ها وجود دارد که همواره بیانگر ارجحیت مرد نسبت به زن است. نقطه مشترک اکثر ادیان سماوی، داستان «حواء، آدم، سیب و بهشت» است. همه گفته اند که «حواء» به عنوان یک زن تحت تأثیر شیطان، مرد یعنی «آدم» را وسوسه کرد. او را تشویق به خوردن میوه ممنوعه بهشت یعنی سیب کرد که در نتیجه سبب نزول قهر خدا به خاطر این نافرمانی آدم شد. به همین دلیل خدا انسان را از بهشت راند. لذا براساس این برداشت و تعبیر، از نظر دین، زن از همان پیدایش بشر موجودی اغواگر و فریب دهنده معرفی شده است. این در واقع اولین و اساسی ترین زمینه ظلم بر زن و نادیده گرفتن حقوق برابر زن با مرد و یا تفاوت در منزلت زن و مرد است که با باورها و مؤلفه های دینی و مذهبی ایجاد شده است. افغانستان و جامعه سنتی آن در نظر داشت فرهنگ و باورهای دینی موجود در آن، مستثنا از جوامع سنتی و دینی دیگر نیست.

وقتی طالب در افغانستان می گوید که ما کدام دشمنی شخصی با زنان نداریم، چون ما فقط شریعت را تطبیق می کنیم، راست می گوید. در اصل این روایات و دساتیر بسیار واضح دین و شریعت است که می گوید زن حق ندارد رهبر باشد، مجاز نیست قاضی باشد، اجازه ندارد بدون محرم سفر کند، نباید این را ببوشد یا آن را نبوشد، نباید این جا برود، باید آن جا نرود، نباید این کار را بکند و... خُب، آن ها که خود را سربازان خدا برای تطبیق شریعت خدا می دانند، تقصیری ندارند، جز این که این نابرابری ها را تشدید کرده اند. در ظلم برخاسته از باورهای دینی، گناه حاکمان شرع نیست؛ چون روایات بزرگان دین و برداشت های متفاوت رهبران دینی از دساتیر شریعت است که خط مشی را تعیین می کند؛ خط مشی که در داستان ها و توصیه های روحانیون از یک نسل به نسل دیگر روایت

شده است.

۳. نگاه سیاسی به زن و حقوق او

رادیکالیسم دینی و بنیادگرایی افراطی و در کل سیستم های مردسالاری که عمل کرده ای شان به نحوی از انحا به ظلم بر زنان می انجامد، همیشه از موضوع حقوق زنان به عنوان یک حربه سیاسی برای پیش برد اهداف سیاسی شان استفاده و سوء استفاده کرده اند. هر زمانی که سیستم های مترقی مبتنی بر تساوی حقوق انسان ها و رعایت حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان روی کار آمده و خواسته رشد کند و کاری به نفع زنان انجام دهد، سیاست های دینی و بنیادگرایی مذهبی با شدت علیه آن ایستاده و با استفاده از ساده گی و باورهای دینی مردم، به نام این که کفر حاکم شده و دین در خطر است، علیه آن تاخته و ظلم بر زنان را چند برابر خشن تر ساخته است. حداقل در افغانستان ۱۰۰ سال قبل وقتی اعلام استقلال شد و شاه امان الله و همسرش ثریا با افکار و عمل کرده ای روشنگرانه شان شروع به کار برای زنان و تأمین حقوق آن ها کردند، مخالفان سیاسی آن ها و اندیشه های مردسالارانه وقت، به کمک اجانب برای براندازی حکومت وقت و توقف جریان روشن فکری و اصلاحات، آزادی های زنان و در کل موضوع زنان را بهانه سیاسی ساخته و مردم را با این فکر که دین در خطر افتاده و قرار است نظام کفری ایجاد گردد، تحریک کرده و تمام آن سیستم را برانداختند و دوباره شدیدتر از قبل، مانع تأمین حقوق زنان شدند. طی این ۱۰۰ سال هم هرازگاهی که اقدامی برای تأمین حقوق زنان بر مبنای حقوق بشر شده است، باز هم همان رادیکالیسم دینی در قالب احزاب و گروه های سیاسی به نام نهضت اسلامی، جوانان مسلمان، اخوان المسلمین، تنظیم های مسلح جهادی اسلامی، تحریک طالبان، القاعده و داعش، به شدت با آن مخالفت کردند و با به قدرت رسیدن شان در دهه ۱۹۹۰ عملاً این ظلم را به اوجش رساندند. در طی دو دهه اخیر هم که با مداخله جهان غرب در افغانستان همراه بود، این جریان ها از موضوع حقوق زنان به عنوان مهم ترین حربه سیاسی برای اقدامات جنگ چوپانه شان استفاده کرده و حتا این بحث را روی میز مذاکرات سیاسی برای صلح نیز آوردند. از سقوط نظام نیم بند جمهوری و روی کار آمدن مجدد طالبان تاکنون نیز، سرکوب زنان و ظلم بی سابقه بر آنان توسط طالبان همواره مورد مناقشه و مذاکره سیاسی بوده و به عنوان یک تفاوت سیاسی میان حاکمیت سیاسی طالبان و مخالفان ملی و بین المللی شان مورد بحث قرار دارد. برخورد تندروانه بنیادگرایان دینی با این موضوعات در حدی است که حتا به بحث در این موارد نیز اجازه داده نمی شود. چه بسا که همین نوشته خودش نیز دارای عواقب سخت گیرانه از نظر آن ها باشد.

نتیجه

ظلم طالبان بر زنان در افغانستان ناشی از مجموعه ای از سنن و فرهنگ های غیرانسانی و ناعادلانه سیستم های مردسالار، باورهای دینی موجود در جامعه و برخورد سیاسی رادیکالیسم دینی با زنان است که در طول تاریخ در جامعه افغانستان به وجود آمده است. این مثلث، مانع هر نوع ترقی روشن گرایانه، تأمین حقوق اساسی بشری و از جمله تأمین حقوق انسانی زنان در افغانستان و ادامه ظلم شدید بر آنان است.

راه حل

راه حل، دشوارترین موضوع این بحث است. کارهای زیادی باید همزمان انجام شود و به پیش برود تا این مساله به شکل بنیادی رفع و حل شود.

– مهم ترین و اصلی ترین راه حل، دانش و آگاهی است. این راه طولانی، نفس گیر و دشوار است، اما باید همه زنان و مردان مخالف این ظلم به شکل وسیعی در روشن ساختن اذهان و از بین بردن عنعنات و فرهنگ های ناپسند اجتماعی سهم بگیرند و مبارزه کنند؛ چنان چه سال ها است که این روشنگری آغاز شده است.

– اصلاح و ایجاد قوانین مدنی کشور و نهادینه ساختن آن در راستای تأمین حقوق حقه همه اعضای جامعه براساس استندردهای حقوق بشری و اجرایی ساختن شان نیز از راه های مورد نیاز برای حل اساسی این نابرابری است.

– مهم ترین راه حل اما این است که همزمان با روشنگری اجتماعی و نهادینه ساختن قوانین انسانی مدنی، سیستم سیاسی غیردینی و سکولار نیز به وجود آید و مرجع تعیین سیستم دولتی در کشور، گزینه ها و روش های دموکراتیک قرار گیرد.

زنجیره فساد و وحشت در نیمروز:

بازرگانان از باج‌گیری‌های مدیر استخبارات داخلی طالبان شکایت دارند



۸ صبح، نیمروز

به گفته بازرگانان، باج‌گیری شبکه حاجی منان از موترهای باربری ثابت نیست. نظر به وضعیت جیب بازرگان بین ۸۰۰ تا یک هزار و ۵۰۰ دالر امریکایی حق گرفته می‌شود. این پول شامل پارچه گمرک نیست و هیچ رسیدی در بدل این پول به بازرگان داده نمی‌شود.

بازرگانان در ولایت‌های نیمروز و هرات از باج‌گیری‌های مدیر استخبارات طالبان شکایت دارند. به سخن آنان، این مدیر استخبارات طالبان که از حمایت چهره‌های سرشناس این گروه برخوردار است، زنجیره‌ای از فساد و وحشت را در بخش ترانزیت ولایت نیمروز به راه انداخته است. بازرگانان و سرمایه‌داران در هرات و نیمروز می‌افزایند که این مقام طالبان به بهانه‌های گوناگون از جمله ارتباط با مخالفان طالبان، ارتباط با ایران، داشتن خانه، موتر و دیگر اجناس دولتی به گونه غیرمستقیم از آنان اخاذی می‌کند.

براساس شکایت بازرگانان، ملا گل‌نبی نافذ، مدیر استخبارات داخلی طالبان برای ولایت نیمروز، از حمایت کاکایش حاجی منان ناصر و فرزندان کاکایش هر یک عبدالحکیم و عبداللطیف زنجیره‌ای از وحشت، فساد و اخاذی از سرمایه‌داران و کسبه‌کاران را به راه انداخته است. آن‌چنانی که این بازرگانان به روزنامه ۸صبح توضیح داده‌اند، حاجی منان، کاکای ملا گل‌نبی مشهور به حاجی منان «چهارکلاه» از قوم ناصری و باشنده اصلی ولسوالی بکواه ولایت فراه است. او در دور گذشته سلطه طالبان به‌عنوان معاون شهرداری ولایت نیمروز و وظیفه اجرا می‌کرد. به گفته بازرگانان نیمروز، حاجی منان با چند تن از سران طالبان در مرکز از جمله شیرمحمد عباس استانکزی، معین سیاسی وزارت خارجه طالبان و مولوی مزمل رابطه تنگاتنگ دارد. از همین رو به گفته آنان، حتی اگر اداره محلی نیمروز بخواهد، نمی‌تواند جلو خودسری‌های برادرزاده او را بگیرد.

بازرگانان همچنان ادعا دارند که ملا گل‌نبی به‌عنوان یک قدرت موازی با اداره محلی نیمروز فعالیت می‌کند و دامنه فساد را فراتر از ولایت نیمروز، به هرات نیز گسترش داده است. ملا گل‌نبی و همراهانش در تبنی و هماهنگی با مولوی عبدالکریم، رییس استخبارات طالبان در هرات، به باج‌گیری ادامه می‌دهد. حاجی همایون (نام مستعار) یکی از بازرگانان ولایت نیمروز، می‌گوید: «مردم نیمروز از دست حاجی منان به ستوه آمده‌اند. این آدم به خاطر رابطه نزدیک که با عباس استانکزی و مولوی مزمل دارد، مسوولان ولایت نیمروز هم جرئت مقابله با او را ندارند. چور و چپاول به راه انداخته، به‌خصوص از زمانی که مولوی نافذ برادرزاده خود را در مدیریت استخبارات این ولایت مقرر کرده است.»

حاجی همایون می‌افزاید: «استانکزی به دعوت حاجی منان به نیمروز آمد. او استانکزی را از نیمروز با خود به دلارام برد و در مورد اهمیت مسیر ترانزیتی دلارام - نیمروز همراهش به توافق رسید؛ چون می‌دانید گمرک نیمروز به خاطر فساد گسترده بیشتر مورد توجه است. حاجی منان به حمایت استانکزی برادرزاده‌اش را از ولسوالی دلارام به مدیریت استخبارات داخلی نیمروز آورد که اکنون به مشوره او برادرزاده و فرزندان‌ش با دیگر همکاران خود یک شبکه قوی ساخته‌اند که از گمرک گرفته تا مسیر ترانزیتی دلارام - نیمروز از همه باج‌گیری می‌کنند. علاوه بر این، از افراد سرمایه‌دار و تجارت‌پیشه به بهانه‌های مختلف پول، موتر و دیگر وسایل‌شان را می‌گیرند.»

ملا گل‌نبی نافذ، برادرزاده حاجی منان، پیش از این به‌عنوان ولسوال نظامی در ولسوالی دلارام ولایت نیمروز کار می‌کرد، اما پس از سفر شیر عباس استانکزی به این ولایت، به‌عنوان مدیر استخبارات داخلی این ولایت مقرر شد. شبکه حاجی منان بر گمرک و مسیر ترانزیتی نیمروز - دلارام تمرکز ویژه‌ای دارد.

حاجی عبدالهادی (نام مستعار) یکی از تاجران کالا در ولایت نیمروز، می‌گوید: «حاجی منان از همه ما فعلاً باج می‌گیرد. کوشش او بیشتر بالای گمرک و مسیر ترانزیتی تا دلارام است. به‌خصوص از وقتی که برادرزاده خود را به استخبارات آورده، همه مجبورند سهم او را بدهند. همه تاجران برای کارهای خود در گمرک به او مراجعه می‌کنند و مجبورند سهمی به او قابل شوند. او و پسرش عبداللطیف از هر کانتینر بار که از گمرک بیرون می‌شود، سهم دارند و همچنان از مسیر راه نیمروز تا دلارام همه چیز را زیر نظر

حاشیه‌روی‌های تهدیدآمیز گفت مقدار پولی که دادی، بین مدیران بخش‌های مختلف توزیع کردم، اما سه نفر دیگر مانده و خیلی عصبانه هستند که اگر به آنان پول نرسد، کار را خراب می‌کنند. برای بار دوم ۳۰۰ هزار افغانی از من گرفت و رفت. هنوز یک هفته نگذشته بود که باز برایم تماس گرفت که موتر خریده است و پول کم دارد. گفت یک‌ونیم لک افغانی دو سه روزه برایش قرض بدهم. گفتم درست است. برای سومین بار این مقدار پول برایش دادم.» حمیدالله خاطر نشان می‌سازد که از دست باج‌گیری‌های عبدالحکیم ناگزیر شده کشور را ترک کند. او می‌گوید اگر می‌ماند، ناگزیر هفته‌وار به او باج می‌داد.

شریف‌احمد (مستعار) باشنده دیگر ولایت هرات است که ناگزیر شده به خاطر تهدیدهای عبدالحکیم به ایران پناه ببرد. یکی از نزدیکان شریف‌احمد می‌گوید که عبدالحکیم او را به بهانه با خود به ولسوالی بکواه ولایت فراه برده که پس از پرداخت پول هنگفت و با پادرمیانی یکی از بزرگان ولایت نیمروز، توانسته به خانه برگردد.

محمدنسیم (مستعار) از نزدیکان شریف‌احمد می‌گوید: «عبدالحکیم شبی به‌عنوان مهمان به خانه شریف‌احمد آمد. صبح هنگام رفتن گفت که موتر را امروز داخل شهر کار دارم، با خود می‌برم. دو روز گذشت اما موتر را نیاورد. شریف‌احمد با او تماس گرفت، عبدالحکیم گفت که من در نیمروز هستم. شریف‌احمد گفت موتر را چه کردی؟ گفت آوردم نیمروز، اما مولوی نافذ او را از من گرفت. شریف‌احمد گفت که من موتر را به شما دادم و از شما می‌خواهم. عبدالحکیم گفت مولوی صاحب نافذ حتماً دلیلی داشته که موتر را گرفته است.» محمدنسیم می‌افزاید: «چند روز بعد عبدالحکیم به هرات آمد و شریف‌احمد را به بهانه این‌که موترش را تسلیم کند، با خود برد؛ اما بعد از چند روز خبر رسید که او شریف‌احمد را به ولسوالی بکواه برده و در حقیقت او را رها کرده بود. بعداً با پادرمیانی یکی از متنفذان ولایت نیمروز و پرداخت ۲۱ هزار دالر، شریف‌احمد را آزاد کرد.»

افزون بر این، عبدالحکیم از تعداد زیادی از باشنده‌گان هرات پول زیادی گرفته است. در این میان شماری از باشنده‌گان هزاره و اهل تشیع نیز شامل‌اند. به دلیل روابط تنگاتنگ و تبنی او با رییس استخبارات هرات، افراد متضرر نمی‌خواهند موضوع رسانه‌ای شود. محمدحسین (مستعار) یکی از هزاره‌های ساکن هرات است که توسط عبدالحکیم مورد اخاذی قرار گرفته است. او از دست عبدالحکیم نزد رییس استخبارات هرات شکایت نیز کرده است.

محمدحسین می‌گوید: «بعد از چند روز تلاش و واسطه‌بازی توانستم خود را به رییس استخبارات هرات برسانم. قضیه اخاذی و گرفتن موتر توسط عبدالحکیم را برایش توضیح دادم. مولوی عبدالکریم خیلی عصبانی شد و گفت تو به یک خانواده مجاهد اتهام می‌بندی، این مردم عزت و آبرو دارند، جهاد کردند، بدون دلیل از آدم بی‌گناه چیزی نمی‌گیرند. گفت عبدالحکیم را می‌خواهم، اگر بی‌گناهی خود را ثابت کرده نتوانستی، در زندان باید بیوسی.» این باشنده هرات می‌افزاید: «وقتی سخنان رییس استخبارات هرات را شنیدم، مطمئن شدم که عبدالحکیم کاملاً با او هماهنگ است. گفتم حاجی مولوی صاحب، اگر شما تایید می‌کنید که عبدالحکیم آدم خوبی است، من هم اعتماد دارم و شکایتی ندارم.»

خواستیم در این مورد نظر عبدالحکیم و سایر افراد مورد اتهام را هم بگیریم، ولی به تماس‌های ما پاسخ ندادند.

براساس اظهارات قربانیان باج‌گیری‌های مدیر استخبارات طالبان در نیمروز، در مواردی که تهدیدهای عبدالحکیم کارساز واقع نمی‌شود و سرمایه‌داران مقاومت کنند، ریاست استخبارات طالبان در هرات دست به کار می‌شود. براساس اطلاعات موجود، همین اکنون دو باشنده ولایت هرات که یکی باشنده ولسوالی کهسان و دیگری از اهل تشیع است، به دلیل مقاومت در برابر باج‌گیری‌های عبدالحکیم در زندان ریاست استخبارات ولایت هرات به سر می‌برند.

در آخر قیمت یک موتر هایلکس را از من گرفت.» افزون بر این بازرگان، هشت قربانی دیگر این‌دست رویدادها که بیشترشان از سرمایه‌داران این ولایت هستند، در صحبت با روزنامه ۸صبح تایید کرده‌اند که به بهانه بردن موترهای دولتی، ناگزیر شده‌اند از پنج تا ۱۲ هزار دالر به حاجی منان و پسرانش عبدالحکیم و عبداللطیف بپردازند. بیشتر این افراد اما به دلیل مشخص بودن قضیه‌شان حاضر نشدند جزئیات چگونه‌گی باج‌دهی به مدیر استخبارات طالبان برای نیمروز را توضیح بدهند.

افزون بر نیمروز، ولایت هرات نیز زیر پوشش این گروه قرار دارد. عبدالحکیم، فرزند حاجی منان، برای باج‌گیری از اقشار مختلف به شمول هزاره‌ها و اهل تشیع این ولایت بیشتر اوقات در هرات حضور دارد. او در قضایای باج‌گیری از مولوی عبدالکریم، رییس استخبارات طالبان این ولایت، کمک می‌گیرد و همواره چهار تا پنج سرباز استخبارات او را همراهی می‌کنند. در صورتی که کسی در برابر باج‌گیری‌های عبدالحکیم مقاومت کند، رییس استخبارات مداخله می‌کند و با بستن اتهام‌های گوناگون از طریق تماس‌های مکرر تلفنی برایش گوش‌زد می‌کند که بدون سروصدا حاضر به باج‌دهی شود.

حمیدالله (نام مستعار) باشنده ولایت هرات که چندین بار به عبدالحکیم پول پرداخته است، در نهایت ناگزیر شده کشور را ترک کند و به ایران پناه ببرد. او به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «من در عمرم کار دولتی نکرده‌ام. عبدالحکیم یک شب به خانم آمد و گفت ریاست استخبارات هرات علیه شما راپورهای زیادی دارد که با مخالفان مسلح ارتباط دارید، ولی تشویش نکنید دوستان زیاد داخل استخبارات دارم که با آن‌ها گپ می‌زنم و به تفاهم می‌رسیم. برایش گفتم که حکیم خان، من در عمر خود کار سیاسی و دولتی نکرده‌ام و فعلاً هم در هرات هیچ مخالفی ندارم، پس با کدام گروه من ارتباط دارم؟ گفت برادر، استخبارات بدون اسناد گپ نمی‌زند، حتماً در ایران با کدام فرمانده مخالف گپ‌هایی را ردوبدل کرده‌ای. چند روز بعد افراد استخبارات پشت خانم آمدند. من خانه نبودم. وقتی برایم اطلاع دادند، مجبور شدم به عبدالحکیم تماس بگیرم. او آمد و شب خانه من بود و صبح مجبور شدم ۱۱ لک افغانی به او بدهم. گفت به بخش‌های مختلف استخبارات تقسیم می‌کند.»

حمیدالله می‌افزاید: «یک هفته بعد باز عبدالحکیم برایم تماس گرفت که باید ببینیم، شب آمد خانه و پس از

دارند و به هیچ مقام دولتی در ولایت نیمروز اهمیت نمی‌دهند.»

به گفته بازرگانان، باج‌گیری شبکه حاجی منان از موترهای باربری ثابت نیست. نظر به وضعیت جیب بازرگان بین ۸۰۰ تا یک هزار و ۵۰۰ دالر امریکایی حق گرفته می‌شود. این پول شامل پارچه گمرک نیست و هیچ رسیدی در بدل این پول به بازرگان داده نمی‌شود.

شبکه حاجی منان افرادی را که مورد ظلم و باج‌گیری قرار می‌دهد، تهدید می‌کند که در صورت افشا و یا رسانه‌ای کردن قضیه، از بین خواهند رفت. از این رو، از میان ده‌ها متضرر فقط چند تن معدود و یا هم یکی از نزدیکان‌شان حاضر شدند به شرط فاش نشدن نام‌شان در مورد آن‌چه برای آنان اتفاق افتاده است، صحبت کنند. شماری دیگر از قربانیان باج‌گیری‌های حاجی منان و برادرزاده‌اش تایید کرده‌اند که شکار باج‌گیری شده‌اند، اما حاضر نیستند جزئیات مفصل ارایه کنند. مجیب‌الرحمان (مستعار) یکی از تاجران ولایت نیمروز است که از سوی شبکه حاجی منان مورد اخاذی قرار گرفته است. او می‌گوید: «حاجی منان مرا به خانه خود خواست، برایم گفت که مدیریت استخبارات معلومات دقیق دارد که در هنگام سقوط حکومت یک موتر هایلکس دولتی پیش تو بوده و آن را فروخته‌ای. می‌خواستند تو را برای تحقیق ببرند، من نگذاشتم. گفتم آدمی آبرومند است، همسایه ما است، من ضمانت می‌کنم که موتر را برگرداند و یا هم قیمت آن را بدهد. گفتم حاجی صاحب، شما مستقیم مرا متهم می‌کنید. حاجی منان گفت: من می‌خواستم کار خیرخواهانه بکنم، آبرویت حفظ شود. میدانی این حکومت مثل سابق نیست؛ چیزی را که گفت، تطبیق می‌کند. حالا که حرفم را قبول نداری، خودت بهتر می‌دانی.»

این قربانی باج‌گیری مدیر استخبارات داخلی نیمروز می‌افزاید: «دو روز پس از آن مولوی نافذ برایم تماس گرفت و گفت: به خاطر حاجی دو روز به شما وقت دادم، خدا کند فکر درست کرده باشید. گفتم: مولوی صاحب، شما مرا می‌شناسید که من با هیچ مقام دولتی رابطه نزدیک نداشتم و خبر دارید که کاروبارم الحمدلله خوب است، به قیمت موتر دولتی هم ضرورت نداشتم و ندارم. مولوی نافذ گفت: به شما مردم زبان نرم حرف زدن نتیجه ندارد و تلفن را قطع کرد. فهمیدم که حاجی منان مثل دیگران تا از من باج‌گیری نکنند، آرام نمی‌گذارد. خانه‌اش رفتم و پرسیدم چه باید بکنم.

مدرسه‌های دینی به‌مثابه تهدید امنیتی



آسو

در آن آموزش دیده‌اند. این به تنهایی این پرسش را برجسته می‌کند که آیا مدارس دینی تهدیدی برای امنیت منطقه و جهان نیست؟

تمویل تروریسم

مدارس دینی در افغانستان و منطقه بزرگ‌ترین منبع نیروی بشری تروریسم، خشونت مذهبی و افراطیت ستیزه‌جو است که خاورمیانه را به زندان بزرگ تبدیل کرده است. امروزه طالبان، داعش، القاعده و ده‌ها گروه تروریستی دیگر که بعد از قدرت‌گیری مجدد طالبان در منطقه و جهان فعال‌تر شدند، نسل فعلی جنگ‌جویان‌شان را از مدارس دینی استخدام کرده و در پی تربیه نسل آینده برای ادامه خشونت‌ورزی و ناامنی در افغانستان و منطقه و جهان است. برای همین منظور است که طالبان هزاران مدرسه دینی تازه‌تأسیس در افغانستان ایجاد کرده و منابع هنگفت اقتصادی را صرف این نهادهای نیمه‌رسمی کرده‌اند. هرچند قبلاً نیز هزاران مدرسه دینی در افغانستان و منطقه مأموریت تمویل تروریسم را بر دوش داشته و دارند، اما نسل جدیدی که در این مدارس تربیه می‌شوند، بسیار خطرناک است و با امکانات بیشتر و مهارت‌های خشن‌تر برای ترور و خشونت آماده‌گی دارد.

تروریسم یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عصر جدید و خصوصاً کشورهای درگیر بحران است که خشونت و مذهب در آن دست به دست هم داده تا زنده‌گی را به کام مرگ کشانده و جامعه ایده‌آل مورد نظر خود را خلق کند. طالبان و گروه‌های تروریستی

در عصر دولت‌مملتها تأمین امنیت به معنای کلی آن بزرگ‌ترین وظیفه دولت‌ها در جهان شناخته می‌شود که همواره بیشترین هزینه‌های مالی، نیروی بشری، داده‌های اطلاعاتی و توجه لازم کارگزاران سیاسی و نظامی را به خود اختصاص داده و به‌عنوان برجسته‌ترین خواسته شهروندان یک کشور از دولت پنداشته می‌شود که اهمیت فراوان در تمام ابعاد زندگی دارد. با یک نگاهی گذرا به تقسیم‌بندی بودجه‌ها و اولویت‌بندی دولت‌ها، این مهم خوب‌تر درک می‌شود که بیشترین هزینه‌های اقتصادی کشورهای منطقه و جهان صرف تأمین امنیت می‌شود. در جهانی که ناامنی‌ها به‌گونه‌های متفاوت در حال افزایش است، تأمین امنیت به‌عنوان کهن‌ترین نیاز بشری اهمیت اساسی پیدا می‌کنند.

با آن‌که ناامنی در منطقه و جهان پیچیده و چندلایه دارد، اما یکی از بزرگ‌ترین لانه‌های ناامنی و گسترش تروریسم در خاورمیانه و کشورهای مسلمان‌نشین، مدارس دینی و نهادهای نیمه‌رسمی مذهبی است که کودکان را آموزش‌های مذهبی و نظامی داده و می‌دهند. کاربرد واژه «نظامی» از آن جهت است که کودکان در مدارس دینی معرفت دینی، بینش مذهبی و ادب اجتماعی نیاموخته و به معنویت و خداجویی نمی‌رسند؛ از این‌رو، استفاده واژه نظامی دقیق و بجا است و سال‌ها است که این نهادهای نیمه‌رسمی از مأموریت اصلی‌شان خارج شده و به خدمت تروریسم دینی و گروه‌های تروریستی درآمده‌اند. تقریباً تمام رهبران گروه‌های تروریستی جهان از مدارس دینی سر برآورده و یا

دیگر مدارس دینی را در کنترل خود گرفته‌اند تا آینده سیاسی و نظامی خود را تقویت کرده و نسل جدیدی از جنگ‌جویان را تربیت کنند. برای همین مهم است که بعد از روی کار آمدن مجدد طالبان، رهبر این گروه فرمان ویژه برای مدیریت مدارس دینی، تعیین معاش برای کارگزاران و ایجاد مدارس جدید داده است. دستور ایجاد ۱۰ هزار مدرسه دینی صادر شده و کار روی آن به شدت جریان دارد. این مدارس نه‌تنها از افغانستان، بلکه از تمام منطقه طلبه می‌پذیرد تا نسل جدیدی با قابلیت‌ها و مهارت‌های لازم را برای نیروی بشری تروریسم جهانی آماده کند که صد البته کشورهای حامی تروریسم و سازمان‌های استخباراتی در ایجاد این مدارس نقش داشته و دارند.

موج جدید افراطیت

مسئله دیگری که زاده مدارس دینی و پیوسته در حال بازتولید است، مسئله افراطیت مذهبی و تحجر فکری در میان توده‌های مردم است که صد البته از تروریسم ویران‌گر و مخرب‌تر نیز است؛ این پدیده بحران‌ساز تا سال‌ها می‌تواند نبض جامعه را در دست گرفته و شیوه فکر کردن، زنده‌گی کردن و مواجهه توده‌ها با جهان را ترسیم و برنامه‌ریزی کند. موج افراطیت مذهبی که اکنون نیز در میان مردم وجود دارد، زاده مدارس دینی و بینش سیاسی نسبت به دین است. شاید بارها شنیده باشیم که بزرگان روستاها تعریف می‌کردند که ملای مسجد‌ها ۱۰۰ سال پیش دنبوره می‌نواختند و بزم شعر برگزار می‌کردند؛ آن‌ها شهنامه و خیام می‌خواندند و با مولانا بر سر مهر بودند، اما اکنون وسایل موسیقی که هیچ، حتا شماری از ملایا حافظ و سعدی و مولانا را نیز تکفیر می‌کنند.

دین‌داری سنتی توده‌های مردم توأم با مدارا و تساهل بوده، اما موج افراطیتی که در چند دهه گذشته وارد جامعه شده است، یکی از پیامدهای مهمش مدارس دینی و نقش این نهادهای نیمه‌رسمی در به وجود آوردن افراطیت مذهبی و دینی بوده که جامعه را دچار بیماری افراطیت مذهبی و دین‌خویی کرده

است. حالا که طالبان قدرت را در دست گرفته و روند مدرسه‌سازی را در اولویت‌شان قرار داده‌اند، یک خطر جدی افغانستان را تهدید کرده و در سطح منطقه و جهان بحران را بیشتر می‌کند. یک مسئله پیش‌پاافتاده نیست که هزاران کودک در مدارس دینی تحت حاکمیت طالبان درس‌های ایدیولوژیک و نظامی فرامی‌گیرند و فردا در سطح داخلی و منطقه‌ای فعالیت خود را آغاز می‌کنند. شاید می‌تواند هر یکی از آن‌ها به افراد بسیار شرور و خشونت‌طلب تبدیل شوند که وضعیت را در منطقه با بحران مواجه کرده و سبب گسترش تروریسم، خشونت و نظامی‌گری شود. این خطر هرچند هنوز نیز به صورت جدی وجود دارد و در ۲۰ سال گذشته مدارس دینی بخش قابل توجه نیروی بشری طالبان را تمویل کرده است، اما خطر اکنون به مراتب جدی‌تر و بزرگ‌تر است و کل منطقه را هدف قرار داده است.

بنابراین، حضور طالبان به‌عنوان تعلیم‌یافته‌های مدارس دینی از یک‌سو و حضور صدها هزار طلبه جدیدالشمول در مدارس نوساخته که برای نسل آینده تروریست تربیت می‌شوند، می‌تواند به‌عنوان یک پدیده ناامنی‌زا شناخته شده و کلیت افغانستان و منطقه را ناامن کرده و حتی تأثیر مخرب در سطح جهانی بگذارد. این یک زنگ خطر و یک بحران بزرگ است که باید به آن در سطح منطقه و جهان تصمیم‌های معتبر گرفته شود؛ چون آتش موجود همه را می‌سوزاند و زمینه‌ها و فرصت‌ها را از مردم می‌گیرد. از آن‌جا که جهان‌بینی توده‌های روستایی مردم در افغانستان متأثر از مدرسه و ملاها هستند، همراهی با تروریسم و گسترش افراطیت مذهبی توسط مدرسه و ملا، جامعه افغانستان را با مشکل جدی‌تر مواجهه می‌کند و از سویی هم کشورهای حامی طالبان در منطقه و جهان نیز از این موج افراطیت مذهبی سالم نخواهند ماند؛ وقتی آتش تروریسم و افراطیت مذهبی به‌گونه فزاینده شعله‌ور شد، می‌تواند همه را به آتش بکشد و نابود کند.

چشم طالب به جیب غریب؛

جنگ‌جویان در غور کمک‌های موسسه‌ها را از

مردم پس گرفتند

۸ صبح، غور



مسوولان محلی طالبان در غور به مردم توضیح داده‌اند که قرار است کار اسفالت راه‌های مواصلی غور آغاز شود و این کمک‌ها به کارگران توزیع خواهد شد. غور یکی از ولایت‌های محروم در غرب کشور بوده که باشندگان آن از محرومیت و فراموشی همیشه‌گی شکایت دارند. نبود مرکزهای درمانی، عدم دسترسی به خدمات صحتی و مسدود بودن جاده‌های منتهی به این ولایت در فصل زمستان هرازگاهی سبب می‌شود که بیماران زیادی به‌ویژه مریضان نسایی - ولادی و آپاندکس پیش از رسیدن به داکتر تلف شوند. هم اکنون که آغاز فصل زمستان است، شاهراه‌های این ولایت با کابل و هرات و همچنان بیشتر مسیرهای مواصلاتی ولسوالی‌های این ولایت به مرکز به دلیل ریزش برف مسدود شده‌اند.

با این حال، باشندگان غور می‌گویند که بیکاری در این ولایت اوج گرفته است و مردم در فصل سرما با شکم‌های گرسنه روز و شب خود را سپری می‌کنند و کمتر خانواده‌هایی به مواد سوخت دسترسی دارند. به گفته آنان، یگانه امید خانواده‌های بی‌بضاعت همین کمک‌های بشردوستانه است که از سوی موسسه‌ها به آنان توزیع می‌شود، اما طالبان این کمک‌ها را نیز از نزد آنان گردآوری کرده‌اند.

هرچند خواستیم نظر موسسه‌ها را در این باره داشته باشیم، اما هیچ‌یک حاضر به گفت‌وگو نشد.

فعالان مدنی در غور نیز تأیید می‌کنند که مسوولان محلی طالبان کمک‌های توزیع‌شده به روستاهای این ولایت را گردآوری کرده‌اند. آنان موسسه‌های بشردوستانه را به سکوت در برابر ظلم طالبان متهم می‌کنند و از این موسسه‌ها می‌خواهند که بالای طالبان فشار بیابند تا کمک‌های توزیع‌شده به خانواده‌های بی‌بضاعت را به جیب خود نیندازند.

ولایت نیز از این ناحیه شکایت دارند. باشندگان ولسوالی دولینه می‌گویند که یک روز پس توزیع مواد غذایی از سوی موسسه «ورلدویشن» به افراد بی‌بضاعت در این ولسوالی، افراد طالبان آمدند و همه مواد را با خود بردند.

جمعه‌گل، باشند قریه غارک ولسوالی دولینه، می‌گوید که این کمک‌های بشردوستانه در ماه قوس به باشندگان چندین روستای این ولسوالی توزیع شده بود. به گفته او، این کمک‌ها شامل آرد، روغن، لوبیا و نمک بود. جمعه‌گل می‌افزاید: «به ۱۰ قریه که با ما همسایه بودند، از سوی موسسه ورلدویشن کمک آمد، مثل آرد، روغن، لوبیا و نمک، اما فردایش طالبان آمدند و از همه مردم این مواد خوراکی را پس گرفتند.»

انصاری از نهادهای داخلی است که در بخش توزیع کمک‌ها با سازمان «WFP» همکاری می‌کند. عبدالحق می‌افزاید: «موسسه انصاری برای ما کمک توزیع کرد، دل ما خوش بود که زمستان را با همین کمک‌ها سپری می‌کنیم، اما پس از یک روز طالبان دوباره این کمک‌ها را از ما پس گرفتند.» عبدالحق مقدار این کمک‌ها را مبلغ ۲۷۵ دالر امریکایی پول نقد به هر خانواده عنوان می‌کند. او می‌افزاید: «یک روز بعد نفرهای ولسوال آمدند و گفتند که این دستور است و باید همه کسانی که پول گرفته‌اند، پس به مقام‌های امارت تسلیم کنند.»

پسبند یگانه ولسوالی نیست که طالبان کمک‌های توزیع‌شده موسسه‌ها را از باشندگان بی‌بضاعت آن گردآوری کرده‌اند. باشندگان ولسوالی دولینه این

باشندهگان ولایت غور ادعا دارند که مسوولان محلی طالبان کمک‌های توزیع‌شده به آنان را دوباره گردآوری کرده‌اند. این کمک‌ها از سوی یک موسسه غیردولتی به افراد بی‌بضاعت توزیع شده بود. به گفته آنان، این کمک‌ها شامل پول نقد و مواد غذایی بوده است. مسوولان محلی طالبان در غور به‌گونه رسمی در این باره ابراز نظر نکرده‌اند، اما به باشندگان روستاهای این ولایت گفته‌اند که قرار است جاده‌های منتهی به غور ترمیم شود و این کمک‌ها به کارگران توزیع خواهد شد.

عبدالحق، باشند ولسوالی پسبند ولایت غور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که چشم انتظارش به کمک‌های بشردوستانه موسسه‌های مدرسان بوده که پس از تلاش‌های زیاد شامل فهرست افراد بی‌بضاعت شده و یک مقدار کمک مالی به دست آورده است. به گفته او، مسوولان محلی طالبان اما این کمک‌ها را دوباره از نزد آنان گردآوری کرده‌اند.

عبدالحق توضیح می‌دهد که این کمک‌ها در آغاز ماه قوس از سوی موسسه «انصاری» به او و شماری از خانواده‌های بی‌بضاعت دیگر توزیع شده بود. موسسه

خیام و کوزه‌های سخنگو



پرتو نادری

کوزه یکی از نمادهای کلیدی در رباعیات حکیم عمر خیام است. او در کوزه سرگذشت و هستی انسان را می‌بیند. وقتی از کوزه سخن می‌گوید یا کوزه را به سخن درمی‌آورد، همزمان دو مفهوم دیگر نیز در ذهن او بیدار می‌شوند؛ یکی خاک و دیگری انسان. او پیوندهایی را در میان، انسان، کوزه و خاک می‌بیند. بر بنیاد روایت‌های دینی، خداوند انسان را از خاک آفریده است. در اسطوره‌های یونانی نیز انسان از خاک آفریده شده است. بر بنیاد اسطوره‌های یونانی، انسان در زمین و از خاک رس آفریده شده است. کوزه را نیز از خاک رس می‌سازند.

گل کوزه را روزها با لگد می‌کوبند تا برسد و بعد از آن کوزه می‌سازند. کوزه را در کوره کوزه‌پزی می‌گذارند تا پخته شود. انسان نیز چنین سرگذشتی دارد. زنده‌گی و روزگار، انسان را پیوسته لگدکوب می‌کند تا این که در کوره دردها و رنج‌های خویش پخته می‌شود و پر می‌شود از تجربه‌های تلخ و شیرین زنده‌گی و پر می‌شود از خودآگاهی و دانش، تا این که روزی با دستان سنگین مرگ شکسته می‌شود.

کوزه‌ای که خیام از آن سخن می‌گوید، کوزه شراب است. تا بوده، شراب را در آن نگه می‌داشته و در جایگاه مناسبی نگهداری‌اش می‌کرده‌اند. جای دیگرش بر سفره شاهان، امیران و بالادستان جامعه بود. با این همه سرنوشته‌ی شکستن است، چه در خانه شاه باشد و چه در خانه گدا. روزی یا شبی از دست کسی فرو می‌افتد و می‌شکند. یا هم می‌خورده‌ای در هیجان مستی خود، آن را بر زمین می‌زندی و می‌شکنند. کوزه هستی انسان نیز به دست مرگ شکسته می‌شود. انسان نیز چه در کاخ باشد و چه در مخروبه‌ای، روزی یا شبی ریسمان زنده‌گی‌اش با تیغ مرگ بریده می‌شود و می‌میرد. شکستن برای کوزه و مرگ برای انسان، جبر است و سرنوشته‌ی است که برای هر دو تعیین شده است.

تکه‌پارچه‌های کوزه شکسته را به دور می‌اندازند. گذشت روزگاران، تابش خورشید و وزش باد و باران آن را می‌پوساند و به خاک بدل می‌کند. انسان را که می‌میرد، نیز می‌برند در گوستان دوری خاکش می‌کنند. سالیان دراز خورشید و ماه بر گور او می‌تابد، اما او در دل خاک می‌پوسد و هستی‌اش با خاک می‌آمیزد.

هر دو نابود و در نهایت به مشت‌های خاکی بدل می‌شوند. خاموش می‌شوند، اما در خاموشی خود هزاران قصه از جور روزگار و از کارگاه کوزه‌گری دارند.

بر سنگ زدم دوش سبوی کاشی
سرمست بدم چو کردم این اوباشی
با من به زبان حال می‌گفت سبو
من چون تو بدم تو نیز چو من باشی

(رباعیات حکیم عمر خیام، مقدمه فروغی، محمدعلی، انتشارات زوار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴)

این‌جا این کوزه یا این سبو یک نماد است، نماد انسان؛ انسانی که دیروز کوزه‌ای را بر زمین کوبیده و امروز او را خیام یا کس دیگری بر زمین می‌کوبد و فردا کسی کوزه دیگری را بر زمین می‌کوبد که ذره‌های هستی ما و ذره‌های هستی خیام در آن جاری است. گویی جهان همیشه زنجیره چنین رویدادهای بوده است. می‌سازند و می‌شکنند و بعد شکسته‌ها خاک می‌شوند تا این که لگدکوب کوزه‌گران می‌شوند، در کوره‌ای پخته می‌شوند و کوزه دیگری می‌شوند.

در این رباعی بازم با چنین مفهوم و پیامی روبه‌رو می‌شویم:

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار
بر پاره گلی لگد همی‌زد بسیار
وان گل به زبان حال با او می‌گفت
من همچو تو بوده‌ام مرا نیکو دارد

(رباعیات حکیم عمر خیام، ص ۱۰۷)

خیام کوزه‌گری را در بازار می‌بیند که بر گلی لگد می‌کوبد. آن قدر لگد می‌کوبد که آن گل برسد تا از آن کوزه‌ای بسازد. این‌جا کوزه‌گر، همان کوزه‌گر بازار است و بار نمادین ندارد؛ اما گل وقتی به سخن می‌آید، هویت انسانی پیدا می‌کند. آن گل که ذره‌های هستی انسانی را در خود دارد، از کوزه‌گر می‌خواهد که این همه بر آن لگد نکوبد؛ چون او دیروز چون تو بودم و فردا تو، چون او خواهی بود و کسی بر گل هستی‌ات لگد خواهد کوبید. گویی خیام ادامه نسل انسان‌ها را در ادامه نسل کوزه‌ها جست‌وجو می‌کند و کوزه‌ها نسل‌به‌نسل هستی انسان‌ها را با خود به روزگار ما و روزگار بعد از ما می‌رسانند.

تا چند اسیر عقل هرروزه شویم
در دهر چه صدساله چه یک‌روزه شویم
در ده تو به کاسه، می از آن پیش که ما
در کارگاه کوزه‌گران کوزه شویم

(همان، ص ۱۲۶)

خیام هر بار که از کوزه سخن می‌گوید یا کوزه با او سخن می‌گوید، از کارگاه کوزه‌گری و کوزه‌گر که با دلیری کوزه خود را از کله پادشاه و انگشت گدای دسته و سر می‌کند، نیز سخن به میان می‌آورد:

در کارگاه کوزه‌گری کردم رای
در پایه‌ی چرخ دیدم استاد به پای
می‌کرد دلیر کوزه را دسته و سر
از کله‌ی پادشاه و انگشت گدای

(همان، ص ۱۱۷)

این‌جا کوزه و کوزه‌گر همان مفهوم ساده و اصلی خود را دارد، نقش نمادین ندارد. کوزه همان کوزه است و کوزه‌گر هم همان کسی که در کارگاه خود کوزه‌گری می‌کند.

کوزه‌گر، بی‌آن که بداند، کوزه خود را از کله شاهان، انگشت گدایان و اندام زیبارویان شکل می‌دهد. چنین است که او کوزه‌گر را هشدار می‌دهد که تا کی این‌گونه بر گل مردم‌خواری می‌کنی و گل آنان را بر چرخ نهاده و کوزه‌گری می‌کنی؛ مگر نمی‌دانی که این گل همان پنجه فرویدن و دست کی خسرو است؟ همان شاهانی که روزگاری با تاج زرین بر تخت شاهی نشسته بودند و سرزمین‌های بزرگی را زیر نگین داشتند.

هان کوزه‌گرا بپای اگر هشیاری
تا چند کنی بر گل مردم‌خواری

انگشت فریدون و کف کی خسرو
بر چرخ نهاده‌ای چه می‌پنداری

(همان، ص ۱۷۷)

اما در همه رباعی‌هایی که کوزه محور اصلی مضمون آنان را می‌سازد، چنین نیست. در پاره‌ای از چنین رباعی‌ها کوزه بیشتر جایگاه نمادین دارد و آنگاه کوزه‌گر و کارگاه کوزه‌گری نیز به نمادهایی بدل می‌شوند.

در چنین رباعی‌هایی کوزه با خیام سخن می‌گوید. از روزگاران دور سخن می‌گوید. از شاهان، زیبارویان و تهی‌دستان روزگاران گذشته که دیگر خاک و خاکستر شده‌اند، سخن می‌گوید.

این کوزه که آب‌خواری مزدوری است
از دیده‌ی شاه‌یست و دل دستوری است
هر کاسه‌ی می که بر کف مخموری است
از عارض مستی و لب مستوری است

(همان، ص ۱۶)

یا در این رباعی:

از کوزه‌گری کوزه خریدم باری
آن کوزه سخن گفت ز هر اسراری
شاهی بودم که جام زرینم بود
اکنون شده‌ام کوزه‌ی هر خماری

(همان، ص ۱۵۸)

خیام سیما و هستی انسان‌های گوناگونی را از رده‌های گوناگون اجتماعی در سیمای این کوزه‌ها می‌بیند. دیروز این انسان‌ها هر کدام برای خود جایگاهی داشتند. کسانی در رده‌های فرودست، گرسنه و تهی‌دست بودند که پیوسته زورمندان لگدکوب‌شان می‌کردند، اما حال هستی آنان همه در گل کوزه باهم یکی شده و باهم آمیخته و هستی کوزه را شکل داده‌اند.

گاهی هم از کوزه‌هایی سخن می‌گوید که دیروز عاشق بودند؛ عاشقانی که دست بر گردن یاران خود داشتند. او در چنین رباعی‌هایی، عاشقی را در سیمای کوزه می‌بیند. در چنین توصیفی، او به کوزه هویت یک انسان عاشق را می‌دهد و خودش را شریک این هویت می‌سازد:

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است
در بند سر زلف نگاری بوده است
این دسته که بر گردن او می‌بینی
دستی‌ست که بر گردن یاری بوده است

(همان، ص ۱۵)

گاه هم کوزه، کوزه‌گر و کارگاه کوزه‌گری همه مفاهیم نمادین پیدا می‌کنند. خیام خواننده را در شبکه‌ای از نمادها قرار می‌دهد و شبکه نمادها خود نمادی می‌شود برای نظام هستی:

جامی‌ست که عقل آفرین می‌زندش
صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

(همان، ص ۱۱۵)

در چنین رباعی‌هایی خیام پرسش‌هایی دارد که این کوزه‌گر دهر نماد خداوند است. خداوندی که این همه هستی را، انسان و زیبایی را آفریده، پس چرا دوباره همه را از میان برمی‌دارد و چنین جام لطیف و زیبایی را چرا این‌گونه بر زمین می‌زند و نابودش می‌کند؟

تا این رباعی را می‌خوانی، صدای دردناک شکستن

کوزه یا جامی را می‌شنوی. من هر بار که این رباعی را می‌خوانم، کسی را می‌بینم که کوه‌ای را با دو دست روی سر خود بلند کرده و بر زمین سختی می‌کوبد. صدای شکستن کوزه را می‌شنوم و حس می‌کنم که این کوزه من بوده‌ام. جام لطیف استعاره‌ای است برای انسان و در یک مفهوم کلی استعاره‌ای است برای همه هستی.

خیام می‌پرسد: انسان که زیباترین آفرینش خداوند است، پس چرا محکوم به مرگ و نابودی است؟ این کوزه‌گر دهر برای چه هدفی این کوزه را با زیبایی آفرید و بعد ناگهان در دل یک شب تاریک یا یک روز غبارآلود، آن را برداشت و بر زمین کوبید و تکه‌پارچه‌اش کرد تا دست بی‌رحم روزگاران به خاک و خاکسترش بدل کند.

هر کوزه‌گر یا شیشه‌گری زمانی که جام، سبو یا چیز زیبا و تحسین‌برانگیزی را می‌سازد و بدین‌گونه نیروی آفرینشی خود را در آن بازتاب می‌دهد، دیگر نمی‌خواهد چنان جام یا سبوی زیبایی را بر زمین زند و بشکند؛ اما کوزه‌گر دهر می‌سازد و می‌شکند، می‌سازد و می‌شکند، می‌سازد و می‌شکند.

در پاره‌ای از رباعی‌های خیام و از آن شمار رباعی‌هایی که تصویر و اندیشه مرکزی آن را کوزه یا سبو می‌سازد، گونه‌ای از اندیشه‌های هیچ‌انگاری نیز بازتاب یافته است. دنیا و هستی را هیچ می‌انگارد، گویی هستی این جهان از نابودی شکل گرفته است:

در کارگاه کوزه‌گری رفته دوش
دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خروش
کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش

باری هم در یک رباعی دیگر، خیام جهان را «صحرائی عدم» خوانده است. در این پیوند، بعدتر سخنان بیشتری خواهیم گفت.

خیام در یازده رباعی خود با کاربرد کوزه به بیان اندیشه‌های فلسفی خود پرداخته است که در این رباعی‌ها ۲۲ بار واژه «کوزه» آمده است. به همین گونه چهار بار واژه «سبو» نیز به کار گرفته شده است.

گاهی این کوزه چنان نمادی ظاهر می‌شود و گاهی هم در پیوند به نمادهای دیگر چون کارگاه کوزه‌گری و کوزه‌گر که خیام در چنین تصویرپردازی‌هایی می‌خواهد کارگاه کوزه‌گری را چنان نظام هستی برای ما بشناساند. کوزه‌گر چنان آفرینشگر هستی و کوزه در هویت و نماد انسان پدیدار می‌شود. بدین‌گونه کارگاه کوزه‌گری، کوزه‌گر و کوزه در پیوند به هم نمادی‌هایی می‌شوند برای نظام هستی.

چنین نمادهایی ما را به اندیشه‌های فلسفی خیام نسبت به زنده‌گی، مرگ و ناپایداری جهان می‌رساند. البته بازتاب چنین اندیشه‌ای تنها محدود به چنین رباعی‌های او نمی‌شود، بلکه در سراسر رباعی‌های او جاری و ساری است.

نکته دیگر این که «خاک» نیز از واژه‌هایی است که در رباعی‌هایی خیام کاربرد آن بسامد بالایی دارد. چنان که در ۲۶ رباعی، واژه خاک ۲۹ بار به کار برده شده است. آن‌جا که گردش ذرات یا گردش ماده در رباعی‌های خیام بازتاب می‌یابد، خاک، کوزه و خشت چنان قوس‌های سه‌گانه‌ای دایره گردش این اندیشه را می‌سازند و در این گردش سرگردانی ذرات هستی انسان را می‌بینیم.

کوزه‌ای که خیام از آن سخن

می‌گوید، کوزه شراب است.

تا بوده، شراب را در آن نگه

می‌داشته و در جایگاه مناسبی

نگهداری‌اش می‌کرده‌اند.

جای دیگرش بر سفره شاهان،

امیران و بالادستان جامعه بود.

با این همه سرنوشته‌ی شکستن

است، چه در خانه شاه باشد و

چه در خانه گدا.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی: ۰۲۵-۰۳۸ - پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

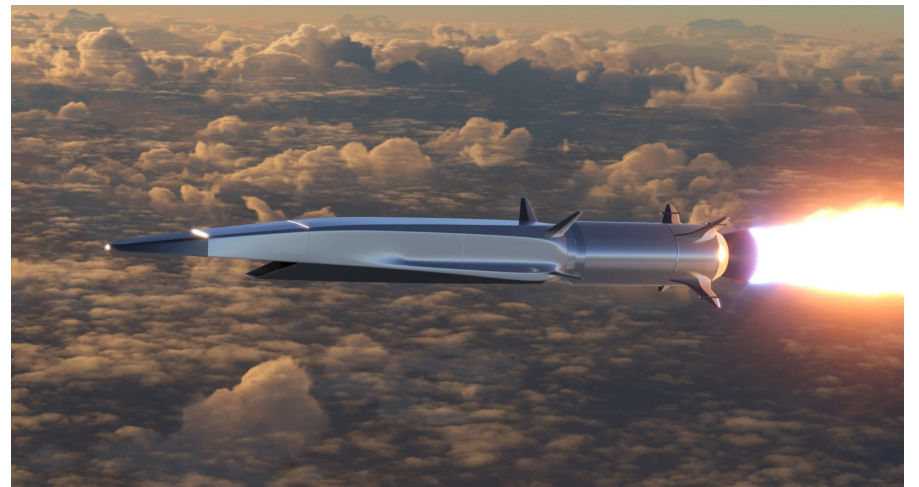
Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

برنیاد گزارش‌ها، در اوج تنش‌ها بر سر پرواز هواپیماهای بدون سرنشین در شبه‌جزیره کوریا، کوریا شمالی سه موشک شلیک کرده است. رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که کوریا شمالی روز شنبه، ۳۰ دسامبر، سه موشک بالستیک کوتاهبرد را شلیک کرده است. ارتش کوریا جنوبی نیز اعلام کرده است که سه موشک بالستیک کوتاهبرد کوریا شمالی را در حدود ساعت ۸:۰۰ صبح به وقت محلی که از منطقه چانگهوا در ولایت هوانگه شمالی به سمت دریای شرق پرتاب شده بود، شناسایی کرده است. این موشک‌ها پیش از فرود آمدن در آب‌های بین شبه‌جزیره کوریا و جاپان حدود ۳۵۰ کیلومتر را طی کردند. برد تخمینی نشان می‌دهد که موشک‌های آزمایش‌شده می‌توانند کوریا جنوبی را هدف قرار دهند.

تلاش جاپان برای تولید میزایل های مافوق سرعت صوت



رسانه‌های جاپانی به نقل از منابع آگاه گزارش داده‌اند که وزارت دفاع جاپان در تلاش تولید و دست‌یابی به چندین نوع میزایل دوربرد و مافوق سرعت صوت است. خبرگزاری رویترز روز شنبه، ۳۱ دسامبر، به استناد گزارش خبرگزاری کیودو گزارش داده است که حکومت جاپان تلاش می‌کند تا میزایل‌هایی با برد دو هزار کیلومتر را تا اوایل ۲۰۳۰ میلادی تولید کند. این تلاش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که تنش‌های منطقه‌ای و حمله نظامی روسیه بر اوکراین، ترس از بروز جنگ در منطقه را تشدید کرده است. همچنان جاپان برنامه دارد تا سال ۲۰۳۵ میلادی میزایل‌های هایپرسونیک یا فوق سرعت صوت با برد سه هزار کیلومتر را تولید کند. در صورت دست‌یابی جاپان به چنین سلاح‌هایی، این کشور قادر خواهد بود تا هر نقطه کوریا شمالی و برخی از نقاط چین را هدف قرار بدهد.

پوتین: ۲۰۲۳ سال تصمیم‌های سخت و گام‌های اساسی است



کرده است. او از سیاست کشورهای غربی انتقاد کرد و گفت که غرب سال‌ها در مورد صلح دروغ می‌گفت، اما در واقع خود را برای تجاوز آماده می‌کرد. به گفته پوتین، در سال جاری، غرب یک «جنگ تحریمی واقعی» را علیه روسیه اعلام کرد، اما به هدف خود دست نیافت. او افزود: «کسانی که آن را آغاز کردند انتظار داشتند صنعت، امور مالی و حمل و نقل ما نابود شود. این اتفاق نیفتاد، زیرا باهم ما یک حاشیه مطمئن از امنیت ایجاد شد.» این در حالی است که روسیه در سال جاری بر اوکراین حمله نظامی کرد و بخش‌هایی از خاک این کشور را نیز جز خاک روسیه اعلام کرد. حمله نظامی روسیه به اوکراین از سوی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تجاوز اعلام شد و این کشور در عرصه جهانی منزوی شد. از دید کارشناسان نظامی انتظاری پوتین از این جنگ داشت به دست آورده نتوانسته و متقبل تلفات گسترده انسانی و از دست رفتن امکانات نظامی روسیه شده است. اما مقام‌های روسی اعلام کرده‌اند که به بخشی از اهدافی که در این جنگ داشتند دست یافته و همچنان به این جنگ تا برآورده شدن خواست‌های کامل این کشور ادامه می‌دهند.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، می‌گوید که سال پیش رو سال «سخت، تصمیم‌های ضروری و گام‌های اساسی» به سوی استقلال کامل روسیه است. او که روز شنبه، ۳۱ دسامبر، در یک مقر نظامی در جمعی از مردم روسیه به مناسبت سال جدید میلادی سخنرانی می‌کرد، گفت که این کشور برای آینده خود می‌جنگد. پوتین سال ۲۰۲۲ را نیز «سال تصمیم‌های دشوار و ضروری و گام‌های اساسی برای دست‌یابی به حاکمیت کامل روسیه و تحکیم قدرتمند جامعه» روسیه توصیف کرد.

پیامدهای حقوقی اشغال فلسطین از سوی اسرائیل زیر ذره‌بین دادگاه بین‌المللی لاهه

آن از سوی سازمان ملل نامشروع خواهد بود. اردان گفته است که هیچ نهادی در جهان حق ندارد یهودیان را در سرزمین‌های خودشان اشغالگر خطاب کند. کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس از مناطقی‌اند که فلسطینی‌ها در آن‌ها خواستار تشکیل کشور هستند. این مناطق در جنگ سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل درآمد.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که سازمان ملل متحد از دادگاه لاهه خواسته تا در پیوند به عواقب حقوقی اشغال فلسطین از سوی اسرائیل نظر بدهد. رویترز گزارش داده که سازمان ملل متحد این درخواست را در مجمع عمومی با حضور ۱۹۳ کشور روز جمعه، ۳۰ دسامبر، مطرح کرده است.

رای‌گیری در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای گرفتن نظر دادگاه لاهه همزمان شده با تغییر رهبری سیاسی در اسرائیل و برگشت بنیامین نتانیاهو به کرسی نخست‌وزیری این کشور که علاقه‌مند شهرک‌سازی یهودی‌ها در مناطق اشغال شده فلسطین است. ریاض منصور، نماینده فلسطین در سازمان ملل متحد، در بیانیه‌ای گفته که اگر سازمان ملل به حقوق بین‌الملل باورمند باشد، رأی دادگاه لاهه را تأیید خواهد کرد. اما گیلاد اردان، سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد، این سازمان را از رهگذر اخلاقی به ورشکستگی و سیاسی شدن متهم کرده و گفته که تصمیم دادگاه لاهه و تأیید



پاپ بندیکت شانزدهم در گذشت

دسامبر، با نشر اعلامیه‌ای گفت: «با اندوه به اطلاع شما می‌رسانم که پاپ بازنشسته، بندیکت شانزدهم، امروز ساعت ۰۹:۳۴ در واتیکان درگذشت.» پاپ بندیکت شانزدهم در شش قرن گذشته، نخستین پاپ در جهان بود که از عالی‌ترین مقام مذهبی کاتولیک جهان از سمت‌اش استعفا داده بود. براساس اعلام واتیکان، مراسم تشییع جنازه او روز پنج‌شنبه آینده، پنجم جنوری ۲۰۲۳ میلادی در میدان سنت پیتر به ریاست پاپ فرانسیس برگزار خواهد شد.



پیتر بندیکت از صبح روز دوشنبه در کلیسای سنت پیتر به نمایش گذاشته خواهد شد تا پیروان او بتوانند ادای احترام کنند.

پس از اعلام خبر درگذشت پاپ پیشین، ادای احترام از سرتاسر جهان نیز آغاز شده است. سلامتی پاپ بندیکت از مدتی به این‌سو رو به وخامت بود، اما واتیکان روز چهارشنبه اعلام کرد که وضعیت او بدتر شده است.

واتیکان اعلام کرد که پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر پیشین کاتولیک‌های جهان، در سن ۹۵ سالگی درگذشت. متیو برون، سخنگوی واتیکان، روز شنبه، ۳۱

قیمت گاز در اروپا در ماه اخیر ۴۸ درصد کاهش یافته است

نزولی خواهد داشت.



براساس اطلاعات ارائه‌شده توسط یک مرکز فناوری و انرژی «ICE» در لندن، قیمت گاز در اروپا در دسامبر ۲۰۲۲ نسبت به ماه قبل حدود ۴۸ درصد کاهش داشته است.

طبق این معلومات که روز شنبه، ۳۱ دسامبر نشر شد، دلیل این کاهش هوای گرم غیرعادی در منطقه و موجودیت مقدار زیاد گاز در تأسیسات ذخیره‌سازی بوده است. قیمت قراردادهای گاز تا پایان معاملات ماه نوامبر حدود ۱۵۵۸ دلار در هر ۱۰۰۰ مترمکعب رسید؛ در حالی که معاملات در ماه دسامبر با ۴۸ درصد کاهش نسبت به ماه قبل، با قیمت ۸۴۵ دلار به پایان رسید. این در حالی است که براساس پیش‌بینی‌ها انتظار می‌رفت که قیمت گاز در اروپا به دلیل جنگ اوکراین و محدودیت واردات گاز از روسیه افزایش یابد.

هنوز مشخص نیست که در ماه‌های آینده که هوا در اروپا بیشتر سرد می‌شود و نیازمندی به گاز بیشتر خواهد شد، قیمت گاز افزایش می‌یابد و یا همچنان سیر